

پشت‌بوم

میهمان ناخوانده‌ای که صاحبخانه شد



حسین هاشم‌پور

● چندسال پیش از این وقتی ایرانیان با پدیده ولنتاین آشنا شدند، زرق‌رمر و شکلات ۱۴ فوریه فراگیر شد. مسئولان همواره آماده واکنش، به تک و تاب افتادند که برایش معادل ایرانی بسازند، خاطرم هست طیفی جشن اسپندارمذگان را به‌عنوان روز عشق پیشنهاد دادند تا در تقویم رسمی بگنجد و طعم ولنتاین غربی از دهن بیفتد؛ اما مثل همیشه همه آن دلواپسی‌ها در حد حرف باقی ماند و ولنتاین هم مانده است.

یک – باید قبول کنیم ما آن قدر که در خلق آیین‌های عزاداری تبحر داریم، به‌هیچ‌وجه در برپایی جشن و سرور حرفه‌ای نیستیم؛ به کل، اجتماع شادمانه به این معنا که جمعیتی کنییر را برای شادی‌کردن دور هم جمع کنیم و پایکوبی کنیم دست‌کم در سالیان اخیر مسبوق به سابقه نیست، نه کنسرت خیابانی و نه کارناوالی؛ مثلاً سال تحویل هرکس نخودنخود خانه خود، پای تلویزیون خود، شب پلدا پای تلویزیون خود… میلاد ائمه هم در نهایت سینی‌های چای و شربت در خیابان است که به‌جای شیرینی، طعم تلخ ترافیک‌های کور را به یاد همه می‌اندازد؛ مثال دیگر چهارشنبه‌سوری است که به‌جای سوروسات و شادمانی، شهر به میدان جنگی تمام‌عیار بدل می‌شود… حق دارند مردم تقی به توقی می‌خورد، راهی جاده‌های شمالی می‌شوند و جوجه‌کباب می‌خورند یا نوت‌شاه.

دو – آخرین نمونه در ناتوانی ما برای خلق فضای شادمانه، اختتامیه سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر بود؛ نشان داد ما حتی در یک سالن درسته هم این‌کاره نیستیم؛ ۱۰ روز جامعه رسانه‌ای و هنری آلاخون‌والاخون مهم‌ترین رویداد هنری کشور بودند تا در یک مراسم دودبودو سیمرغ‌ها را اهدا کنند و نخودنخود هر که رود خانه خود؛ ما که عادت داریم خودمان را با هالیوود و کشورهای توسعه‌یافته مقایسه کنیم، ساماندهی مراسمی مشابه اسکار این‌قدر سخت است؟ مجری اول تا آخر برنده‌ها را خودش خواند و به قول خودش با ریتم تند، مهم‌ترین آیین هنری را که دو شبکه تلویزیونی با تأخیر پخشش کردند به پایان رساند؛ این رویداد حتی در گذشته با شکوه بیشتری برگزار می‌شد و این فرصت پدید می‌آمد که هنرمندان متعددی روی صحنه حاضر شوند و مردمی که به سینما نمی‌روند، آنها را در قاب تلویزیون ببینند؛ نوعی قدرت‌نمایی برای جامعه فرهنگ و هنر بود، اما در شکل اخیرش همه عجله داشتند تمام شود بروی بی کارش. چرا؟!

سه – به گمانم به‌جای تلاش برای حذف یا معادل‌تراشی ولنتاین و ولنتاین‌ها و سخت‌گیری‌کردن به رستوران‌ها، کافه‌ها و شیرینی‌فروشی‌ها که می‌بادد در این روز تدارکی ببینند، باید تلاش کنیم به آن روح ایرانی بدمیم، ایرانیزه‌اش کنیم و تهدید را به یک فرصت بدل کنیم؛ وقتی جامعه با آغوش باز از این‌گونه آیین‌ها استقبال می‌کند، با نیازسنجی هوشمندانه پاسخی در شأن به آن بدمیم؛ یادمان نرود اتفاقاً ورود دولت‌ها و حاکمیت به چنین مسئله‌ای آن را فراگیرتر هم می‌کند؛ نمونه‌اش چهارشنبه‌سوری که حالا به کابوس چهارشنبه‌سوزی بدل شده است؛ جامعه‌شناسان، من و شما که اینجا را برای زندگی انتخاب کرده‌ایم یا جای دیگری برای شده، باید این تضادها را سامان دهیم. در این راه حتماً جامعه فرهنگ و هنر نقش اول را ایفا می‌کند.

نمایش خانگی

مجموعه آثار کانونی امیر نادری در شبکه خانگی

● سه فیلمی که امیر نادری در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان تولید کرده بود، در یک مجموعه به شبکه خانگی آمد. این مجموعه شامل فیلم‌های «ساز دهنی»، «دونده» و «انتظار» است که در فاصله زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ با محوریت زندگی نوجوانان تولید شدند.



نسیم قاضی‌زاده؛ بالاخره بعد از شش‌بار نامزدی، کیهان کلهر موفق شد به فهرست جوایزش، جایزه گرمی را هم اضافه کند. او که تا پیش از این هم در همکاری‌های مختلف بین‌المللی توانسته بود عناوین آتارش را در میان فهرست نامزدها ببیند، شب گذشته شاهد برنده‌شدن آلبوم «مرا به خانه بخوان» در بخش موسیقی جهانی بود.

کیهان کلهر، موسیقی‌دان پرآوازه ایرانی که این روزها در حال استراحت بعد از برگزاری تور بزرگ کنسرت‌هایش با عنوان «برگیان باغ سکوت» است، در ماه‌های گذشته نیز توانسته بود جایزه بسیار معتبر منتقدان موسیقی آلمان German Record Critics را برای دومین‌بار برای آلبوم «هاوا نیاز» از آن خود کند. او پیش از این هم این جایزه را در همکاری با اردال ارزنجان در سال ۲۰۱۱ از آن خود کرده بود.

اما از حدود دو ماه قبل نام آخرین آلبوم گروه جاده ابریشم که کیهان کلهر از نوازندگان و آهنگ‌سازان آن است، در میان نامزدهای جایزه گرمی به‌عنوان معتبرترین جایزه موسیقی یا همان اسکار موسیقی در دو شاخه «موسیقی جهانی» و «موسیقی فیلم» درخشید. او سال‌هاست که نوازنده کمانچه و آهنگ‌ساز این گروه معروف با سرپرستی نوازنده برجسته ویلن‌سل دنیا، «ویوما»، است و حالا در پنجاه‌ونهمین دوره جوایز گرمی «مرا به خانه بخوان» (Sing Me Home) برنده بخش بهترین موسیقی جهانی شده است. این آلبوم که سال ۲۰۱۶ یکی از موفق‌ترین آلبوم‌های این سبک موسیقی بود، پیش از این هم توانسته بود در رتبه اول جدول موسیقی کلاسیک بیلبورد قرار بگیرد؛ موفقیتی که اگرچه با گرمی مقایسه‌کردنی نیست، اما دست‌کمی هم از آن ندارد. «مرا به خانه بخوان»، دارای ۱۳ قطعه است و ضبط این آلبوم موسیقی از سوسی کمپانی معتبر سونی کلاسیکال انجام شده بود. از نکات مهم این آلبوم باید به حضور چهره‌های مطرح موسیقی جهان که در نوازندگی این آلبوم همکاری کرده‌اند اشاره کرد؛ هنرمندانی چون تومانی دیپاته، نوازنده ساز کورا، شجاع‌ت حسین‌خان، نوازنده سیتار، دیپما اورشو، خواننده اهل سوریه و…

نکته مهم درباره بخش «موسیقی جهانی» جایزه گرمی این است که برخلاف دیگر رشته‌های موسیقی،

اعلام برندگان پنجاه‌ونهمین دوره جوایز «گرمی»

«کیهان کلهر» با «جاده ابریشم» به اسکار موسیقی رسید



تنها یک جایزه در این بخش اهدا می‌شود که شب گذشته در دستان جانی گندلرمن ویولونیست گروه جاده ابریشم آرمید. این اولین‌بار بود که گروه جاده ابریشم قطعاتی را بنام آن نواحی این قطعات اجرا شده بودند. این قطعات که اکثراً برگرفته از نغمات بومی و ملی کشورهای مختلف بودند، در این آلبوم آمده بودند که آهنگ‌سازی و تنظیم پنج قطعه، برعهده کلهر بود. قطعاتی از کشورهای هند، ایران، چین، اسپانیا، آمریکا در «مرا به خانه بخوان» گنجانده شده بود؛ قطعاتی که تمامی آنها در ۱۰ تور موسیقی در شهرها و ایالت‌های مختلف آمریکا تا پیش از سفر کلهر به ایران اجرا شده و با استقبال گسترده‌ای مواجه شد تا آنجا که به زودی این تور در نقاط مختلف تکرار خواهد شد، آن هم در شرایطی که قطعاً برنده‌شدن جایزه گرمی تأثیر بسزایی هم روی فروش بیشتر آلبوم و دیده‌شدن آن و البته روی استقبال از کنسرت‌ها خواهد گذاشت.

اسامی دیگر نامزدهای گرمی بهترین آلبوم موسیقی جهانی به این ترتیب بود که البته از دور مسابقه حذف شدند: آلبوم «سرنوشت» اثر زنان اسکاتلندی، «راه‌رفتن روی ردپای پدرانمان» اثر «لیدی اسمیت بلک مامبازو»، «سرزمین طلا» اثر «توشکا شناکار»، «بوسه»، اثر «کایتانو ولوسو» و «کیلبرتو کیل».

تورر سفیر روسیه بهترین عکس ورلدپرس ۲۰۱۷ شد

تورر در گالری

شرق: ورلدپرس فوتو تصویری از تورر سفیر روسیه در آنکارا را به‌عنوان بهترین عکس سال انتخاب کرد. ورلدپرس فوتو مهم‌ترین مسابقه جهانی عکاسی است که هرساله از سال ۱۹۵۵ در شهر آمستردام برگزار می‌شود، جایزه شصتمین دوره رقابت‌های «موت آلتینتاش» برترین عکس مطبوعاتی سال را به عکاس خبرگزاری آسوشیتدپرس اهدا کرد. به گزارش پایگاه اینترنتی تلگراف؛ شصتمین دوره از رقابت‌های «وُردلپرس فوتو» (برترین عکس مطبوعاتی سال) که در آمستردام برگزار شد، جایزه بهترین عکس خبری سال ۲۰۱۷ را

آپ آرتمان برگزار می‌کند

۳ نشست تخصصی با محوریت «دیگری»

گرفته و روشن‌کننده خصایص گفتمان‌های مسلط بر جامعه است. از این رو گروه‌های اجتماعی که هم‌گرایی کمتری با این گفتمان‌ها و رمزگان مسلط اجتماعی دارند، در شرایط اقتصاد رقابتی و منطق حاکم بر آن، کمتر درک شده و بیشتر به حاشیه رانده می‌شوند. همین امر سبب می‌شود این گروه‌ها به‌تدریج در جامعه به‌عنوان «دیگری» هویت‌یابی شوند. سازوکار «دیگری‌سازی» فرض را بر آن می‌گذارد که تنها یک مسیر در زیست اجتماعی-اقتصادی قابل پیچودن است و ضوابط طی‌کردن مسیر را هم کسانی مشخص می‌کنند که نسبت نزدیک‌تری به قدرت و تسلط بیشتری به رسانه‌های جمعی دارند. بنابراین «دیگری‌ها» نسبت به آن فرادستان، عقب‌مانده تلقی می‌شوند و دلیل این عقب‌ماندگی هم خود آنها و ویژگی‌های درونی‌شان نظیر جنسیت، نژاد و حتی معلولیت دانسته می‌شود.

وی با تأکید بر تلاش هنرمندان و پژوهشگران در بیان این پدیده اضافه می‌کند: «در چند دهه گذشته و با گسترش نگاه انتقادی پژوهشگران اجتماعی، تلاش‌های زیادی صورت گرفته است که به دیگری- همچون خود، اصالت بخشیده شده و برداشت‌هایی متفاوت از آنها ارائه می‌شود. بخشی از این تلاش‌ها در سینما و سینمای مستند ایران نیز بازتاب‌های پررنگی داشته است. مستندهایی که قرار است در این نشست‌ها به نمایش گذاشته شود، هر کدام با رویکرد خاص خود به جنبه‌هایی از پروژه «دیگری‌سازی» پرداخته‌اند که مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت».

موسیقی فیلم به‌این‌ترتیب است: موسیقی فیلم‌های «وقتی مردم می‌خوابم» اثر استیو آیوکی، «بیتلز» برای «هشت روز یک هفته»، «لیومناد» اثر بیانسه و «شنبه‌شب آمریکایی» اثر هنرمندان مختلف.

ایرانیان و گرمی

کیهان کلهر در صدر فهرست ایرانیانی قرار گرفته که در این جایزه نامزد شده‌اند. او در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹ نامزد این جایزه شده است. شاید معروف‌ترین نامزدی‌اش هم برگردد به نوای کمانچه در موسیقی متن فیلم «چوایی بدون جوانی» فرانسیس فورد کاپولا. البته آلبوم‌های «فریاد» و «بی تو به‌سر نمی‌شود» که در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ نامزد دریافت جایزه گرمی شدند، کاری مشترک بودند که محمدرضا شجریان، همایون شجریان و حسین علیزاده در آن همراه بودند. هرچند حسین علیزاده به‌تنهایی خودش در سال ۲۰۰۷ با آلبوم

«به تماشای آب‌های سپید»، برای سومین بار نامزد دریافت جایزه گرمی شد. دراین میان باید به چهره‌های دیگر که کمتر شناخته شده‌اند و نام آنها کمتر شنیده شده است، هم اشاره کرد. علی شیرازی‌نیا و شهرام طیبی هم دو موزیسین ایرانی- آمریکایی هستند که در مقام تنظیم‌کننده یا دست‌اندرکاران آلبومی به نام Deep Dish همکاری داشتند. این آلبوم در سال ۲۰۰۲ موفق به دریافت جایزه گرمی شد. بهزاد رنجبران هم در سال ۲۰۰۶ به خاطر سه‌گانه خود (پرشین ترلیوزی) نامزد دریافت جایزه گرمی شد. همچنین سال گذشته علی پیامی، آهنگ‌ساز ایرانی، برای همکاری با ستاره‌هایی مانند تیلور سویفت، الی گولدنیک و ویکند، نامزد سه جایزه اصلی گرمی شد. نام پیامی در شاخه‌های بهترین ضبط سال (در کنار ویکند)، بهترین آلبوم سال (به دلیل مشارکت در ساخت قطعات آلبوم‌های ۱۹۸۹ سویفت و زیبایی در پس دیوانگی ویکند) و بهترین ترانه سال که برای رسانه تصویری ساخته شد (در کنار الی گولدنیک) برده شده بود. در همین سال در کنار پیامی، ایلیا سلمانزاده، اپرا دیگری بود که برای همکاری با ویکند در ترانه «مرا دوست داشته باش همان‌طور که داری»، در رشته بهترین ترانه سال نامزد گرمی شد.

مراسم پنجاه‌ونهمین دوره جوایز سالانه گرمی، ۱۲ فوریه ۲۰۱۷ (بامداد دوشنبه ۲۵ بهمن به وقت ایران) در استیپلر سنتر لس‌آنجلس برگزار و زنده از شبکه سی‌بی‌اس پخش شد.



تعصب و افراطی‌گری را به‌خوبی منعکس کرده و شایستگی آن را دارد که عنوان بهترین عکس خبری سال را از آن خود کند.

«مرت آلتینتاش» یک افسر پلیس ترکیه بود که سفیر روسیه را حین سخترانی در یک نمایشگاه هنری ترور کرد. وی بعد از ترور، فرار نکرد و در مقابل دوربین‌ها چند تیر شلیک کرد. آلتینتاش قایقی بعد از ترور، به دست نیروهای امنیتی کشته شد.

رقابت «وُردلپرس فوتو» یک مسابقه جهانی عکاسی است که در سال ۱۹۵۵ در هلند و در ۲۲ حوزه راه‌اندازی شده است.

مروری بر ۲ دهه آثار ثمیلا امیرابراهیمی در گالری ویستا

گزارش بصری انسان ایرانی پیش از تاریخ

دست می‌دهند». امیرابراهیمی معتقد است: «جدا از ارزش ملی و تاریخی نقش‌مایه‌های باستانی ایران، زبان چکیده و گرافیکی این‌ن نقش چنان نقشی‌های ایرانی را به عنوان «بایستانی‌ها» در گالری ویستا به نمایش درآوردده است. امیرابراهیمی کار روی نقش‌مایه‌های باستانی ایران را به صورت جدی از سال ۱۳۶۹ آغاز کرده و بعد از چند سفر به مناطق عشایرنشین ایران، به جست‌وجوی نقوشی از اشیای کاربردی و تزئینی اقوام کوچ‌نشین پرداخته است.

این هنرمند نقاش از سویی پژوهش‌های باستان‌شناسی را با رجوع به گنجینه موزه‌ای ایران و فرانسه ادامه داد و سرانجام در سال ۲۲ اولین دوره از این نقش‌مایه‌ها را که تعداد آن ۳۰ عدد بود با تکنیک‌های چاپ دستی که حکاک روی چوب و فلز بود به پایان رساند و به نمایش درآورد.

او بعد از این هم نمایشگاهی در دهه ۸۰ از این نقش‌مایه‌ها برگزار کرد، اما با اضافه‌کردن هشت نقش‌مایه جدید به این مجموعه، امیرابراهیمی در آورده، نمای کامل و جامعی از فعالیت خود روی نقش‌مایه‌های باستانی ایران را به تماشا درآورده است. او می‌گوید: «این نقوش که در فاصله پنج هزار تا هزار سال پیش از تاریخ، به دست هنرمندان ناشناخته آن دوران روی ظروف سفالی و اشیای کاربردی و مهرهای استوانه‌ای ترسیم شده‌اند با زبان تصویری ساده و شکیل خود گزارشی بصری از زندگی انسان پیش‌تاریخی ساکنن فلات ایران به

خرابات

۱۲ روزی که دنیا را تکان نداد!



جواد طوسی

● جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر با همه حاشیه‌ها و حرف‌وحديث‌هایش تمام شد. اگر سعه‌صدر و گوش شنوایی باشد، می‌توان کلیت جشنواره و کیفیت فیلم‌های به‌نمایش‌درآمده و خطوط مضمونی‌شان را مبنای آسیب‌شناسی به‌موقع سینمای ایران قرار داد. به نظر می‌رسد دستاورد جوان‌گرایی تجویز‌شده برای سینمای سال‌های اخیر و رشد کمی تولیدات داخلی، مواجه‌شدن با تعداد درخور توجهی از آثار میان‌مایه و محافظه‌کار است که دورنمای خوشایندی – به‌ویژه- برای سینمای اجتماعی ما ندارند.

تشخص و ماندگاری این نوع سینما را در نگاهی بکر، جسورانه و عمیق باید جست‌وجو کرد، اما در واقعیت کنونی با شماری از نسخه‌های نزدیک سروکار داریم که به خانواده و بحران‌های درون آن و مناسبات اجتماعی نگاهی کلیشه‌ای و محتاطانه دارند. دراین‌میان می‌بینیم آثاری چون «قاتل اهلی» مسعود کیمیایی و «پشت دیوار سکوت» مسعود جعفری جوزانی که دارای نگاهی متفاوت، معترض و عدالت‌خواهانه در این حوزه هستند، چه از سویی منتقدان و چه داوران جدی گرفته نمی‌شوند، به‌ویژه این نادریده‌گرفته‌شدن و بدفهمی و تمرکز روی یک‌سری ایرادات همیشگی درباره «قاتل اهلی» که از جنبه‌های مختلف موضوعی، ساختاری و نگرش معاصر می‌تواند یکی از آثار قابل دفاع در کارنامه کیمیایی باشد، سؤال‌برانگیز است. روی همین اصل، چنین استنباط می‌شود که اپیدمی سینمای اصغر فرهادی دارد تعریف غلط و یک‌سویه‌ای از سینمای اجتماعی این دوران ارائه می‌دهد. در این لایه‌لا حتی فیلم‌هایی مثل «سدمعبر» محسن قرایی، «بیست‌ویک روز بعد» سیدمحضرزا خردمندان و «انژوا» مرتضی علی‌باباس‌میرزایی که نگاه متفاوت و مستقل‌تری گستره سینمای اجتماعی دارند، مهجور می‌مانند و فرهادی از قابلیت‌هایشان از سوی داوران نادریده گرفته می‌شود. جا دارد از بی‌کلاه‌ماندن سر منوچهر هادی در فیلم آبرومندان‌هاش «کارگر ساده نیم‌ندیم» نیز یاد کنیم که نگاه درست و منصفانه به آن می‌توانست مسیر بعدی فیلم‌سازی او / بهتر و روشن‌تر بنا کند. این جفا از ناحیه هیئت داوران درباره فیلم موردعلاقه شمار زیادی از منتقدان یعنی «رگ خواب» حمید نعمت‌الله نیز صورت گرفت.

اما جوان‌گرایی افراطی که به انتقاد از آن پرداختیم یک استثنا هم دارد. محمدحسین مهدویان با «ماجراجا نیم‌روز» نشان داد که یک استعداد درخوراعتنا در نسل جوان این زمانه است که جا دارد با غرور بیش‌ازحدی که یک نمونه‌اش را در اسامی کاندیداها نشان داد، خراباش نکند. جدا از این او می‌توانست با شناسنامه‌دادن تاریخی به شخصیت‌های مرکزی سازمان موردنظرش (به‌ویژه موسی خیابانی)، اثر عمیق‌تر و ماندگارتری خلق کند.

دفتر جشنواره سی‌وپنجم بسته شد و بیش از همه در مراسم اختتامیه، چهره کاندیداها، برنده‌ها و میهمانان آدامس‌خور در ذهنمان باقی ماند.

خبر

معرفی نامزدهای جایزه کتاب سال شعر

● نامزدهای جایزه کتاب سال شعر، منتخب «خبرنگاران»، معرفی شدند. دبیرخانه یازدهمین دوره جایزه کتاب سال شعر، منتخب «خبرنگاران»، نامزدهای بخش کتاب سال این جیزه را به‌ترتیب حروف الفبا، به این شرح اعلام کرد:

احمدرضا احمدی (با کتاب‌های «روبان قرمز» و «نی در کنار ویرین‌ها» / نشر چشمه)، روزبه سوهانی («از نامت چند حرف کیود به دهانمان پس دادند» / مروارید)، محمدصابر شریفی («جزا» / فصل پنجم)، علیرضا طالبی‌پور («زندگی خانه‌ای اجاره‌ایست» / بوتیمار)، عطیه عطارزاده («اسب را در نیمه دیگرِت برمان» / چشمه)، آیدا عمیدی («لشکر شکست‌خورده کلمات» / مروارید)، فرزانه قوامی («کاترینا توفان مورد علاقه من است» / چشمه)، عبدالصابر کاکایی («جزیره ۶۳ متری» / نیماژ) و جواد مجابی («در این اتاق‌ها» / چشمه).

توضیح: در این رقابت، طبق آیین‌نامه جایزه، کتاب‌های «اقیانوس آرام» (علیرضا بهرامی / مروارید) و «عشق و جنگ» (فاصل شاهرویدی / بامداد نو) با وجود انتشار در سال ۱۳۹۶، به‌دلیل حضور شاعران آنها در کنسوت داوری و دبیری جایزه، از چرخه داوری کنار گذاشته شدند.

جایزه شعر خبرنگاران هرساله در روزهای پایانی سال، برگزیدگان خود را در سه سطح: «کتاب سال»، «ویژه» (شاعران بدون کتاب) و «تجلیل از یک عمر فعالیت شعری»، معرفی می‌کند. بنا بر اعلام دبیرخانه جشنواره، بخش ویژه (مختص شاعران فارسی‌زبان سراسر دنیا که تاکنون در ایران کتاب مجموعه شعر منتشر نکرده‌اند، اما به‌اندازه یک مجموعه، شعر دارند)، متعاقبا در روزهای آتی معرفی خواهند شد.